ابعاد جدید درگیری محمودآباد

دادستان نظامی مازندران به تشریح ابعاد پرونده درگیری مرگبار در محمودآباد پرداخت.

به گزارش سازمان قضایی نیروهای مسلح، رحیم رحیمی میلاشی، گفت: روزشنبه ماموران انتظامی همراه نماینده دادگاه برای جانمایی و چگونگی اجرای حکم قاضی دادگاه عمومی و انقلاب محمودآباد درباره آزادسازی بخشی از زمین‌های پایگاه هوایی ارتش در روستای بیشه کلا بخش سرخرود که به نفع یکی از اهالی روستا صادر شده بود، ضمن ابلاغ موضوع به فرمانده پایگاه، در محل حاضر می‌شوند. همزمان با ممانعت از انجام جانمایی، صاحب ملك در اقدامی خودسرانه و تحریك‌آمیز به همراه کارگران خود در محل حاضر و مبادرت به سنگ پرانی به سمت عوامل پایگاه می‌کند که مأموران نیز اقدام به تیراندازی هوایی کرده و با توجه به ادامه تعرض مبادرت به تیراندازی می‌کنند. بر اثر این تیراندازی، دو نفر کشته و چهار نفر مجروح می‌شوند.

گفت‌وگوی اختصاصی جام جم با پدر و مادر نوزاد ربوده شده از بیمارستان

«آراد» چگونه آزاد شد؟

معصومه ملکی
حوادث

ربایندهٔ نوزاد پسر از بیمارستانی در شهریار، پس از ۶۷ روز او را مقابل مسجدی رها کرد. زن رباینده در نامه‌ای به خانواده آراد، عنوان کرد به خاطر عذاب وجدان تصمیم گرفته نوزاد را به خانواده‌اش تحویل دهد.

به گزارش خبرنگار جام جم، نوزاد پسری به نام آراد چهاردهم خرداد امسال زمانی که ۱۹ساعت از تولدش گذشته بود، توسط پرستار قلابی به بهانه این‌که ناف او عفونت کرده از یکی از بیمارستان‌های شهریار ربوده شد. جست‌وجوها در این باره ادامه داشت تا این‌که با گذشت ۶۷ روز از این ماجرا ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه یکشنبه بیستم مرداد امسال همزمان با روز عید قربان، زنی که برای خواندن نماز به مسجد حضرت ولی‌عصر(عج) کرشته شهرستان شهریار رفته بود صدای نوزاد را از بیرون مسجد شنید. او با مشاهده نوزاد رهاشده، موضوع را به پلیس گزارش کرد. ماموران به مسجد آمدند و با تحویل گرفتن نوزاد و ساك مشکی همراهش، وی را به اداره پلیس بردند. در داخل ساکی که کنار نوزاد بود، دستبند تولد نوزاد و دست‌نوشته‌هایی قرار داشت که در آن نوشته بود: «از طریق روزنامه و فضای مجازی باخبر شدیم پلیس دنبال اوست و خانواده‌اش چقدر دل‌نگرانش هستند. پشیمان شده و عذاب وجدان رهایمان نمی‌کند. از بچه خوب نگهداری کردیم و دیگر نمی‌توانیم غم خانواده‌اش را ببینیم، او را مقابل مسجد می‌گذاریم هر فردی او را یافت، تحویل خانواده‌اش بدهد. خانواده آراد ما را ببخشید و حلال کنید.»

ماموران اطمینان یافتند که او همان نوزاد ربوده‌شده در بیمارستان است. آنها با دعوت والدین آراد به اداره پلیس نوزاد را تحویل‌شان دادند و بعد از ۶۷ روز پررنج به ناراحتی این خانواده پایان دادند. آراد با والدینش پا به خانه‌شان گذاشت تا زندگی جدیدی را تجربه کند. این در حالی است که پلیس در جست‌وجوی عامل این نوزادربایی است.

تماس‌هایی که سرکاری بود

جواد، پدر آراد اشك شوق بر چشمانش جاری است و این را از صدایش می‌توان احساس کرد. او به جام جم می‌گوید: «از همان شبی که آراد در بیمارستان ربوده شد من و همسرم و خانواده‌هایمان آرام و قرار نداشتیم و زندگی‌مان شده بود گریه و ماتم. در حسرت یك لحظه دیدن پسرم بودیم. در این مدت عکس‌هایش را در روزنامه، فضای مجازی و شهر منتشر کردیم تا ردی پیدا کنیم. برخی افراد با ما تماس می‌گرفتند دلداری‌مان می‌دادند، برخی برای دادن نشانی از او از ما پول می‌خواستند. برخی می‌گفتند او را در کرمان و دیگر شهرها دیده‌اند. حتی فردی از طریق واتس‌اپ به ما پیام داد که برادر شوهرش آراد را صد میلیون تومان از فردی خریده و آراد خارج از کشور است.»

وی افزود: «حتی چند روز پیش پلیس اسلامشهر افرادی را در معامله فروش نوزاد پسری ناکام گذاشت. گفتیم شاید نوزاد، پسرمان باشد و قرار بود روز عید قربان آزمایش دی‌ان‌ای بدهیم که متوجه پیدا شدن آراد شدیم. با دیدن آراد و لباس و دستبند تولدش باورمان شد او خودش است.»

نامه زن نوزادربا به مادر آراد

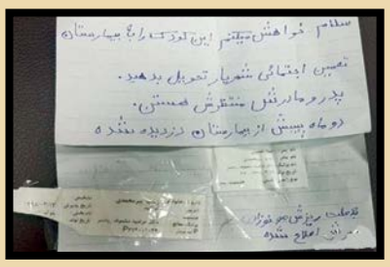

زینب، مادر آراد سر از پا نمی‌شناسد و به جام جم می‌گوید: «در این ۶۷ روز دنیا برسرمان آوار شده بود. حتی یك هفته در بیمارستان ماندم، به امید این‌که او بازگردد. وقتی شوهرم تلفنی به من خبر پیدا شدن آراد را داد، باورم نشد. موهای آراد ریخته بود، خال گوشش را برداشته بودند. حال فرزندم خوب بود و با لباس‌هایی که به تن داشت انگار به‌خوبی در این مدت به او رسیدگی کردند. دستنوشته‌های فرد رباینده را که خواندم، احساس کردم او زنی است که در حسرت بچه و مادر شدن بوده، از خدا می‌خواهم او نیز صاحب فرزند شود و طعم مادری را بچشد. او نوشته بود به خاطر ریزش موهای فرزندم سرش را کچل کرده بود!»

زن نوزادربا وقتی متوجه نگرانی پدر و مادر آراد شد به‌خاطر عذاب وجدان او را در مقابل مسجدی رها کرد

قتل مادر و دختر قبل از سفر ترکیه

زن میانسال و دختر نوجوانش قبل از سفر به ترکیه در خانه‌شان در غرب تهران خفه شدند. پدر خانواده، به‌عنوان مظنون بازداشت شده است.

به گزارش خبرنگارجنایی جام جم، ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه یکشنبه بیستم مرداد امسال مردی با پلیس تماس گرفت و از قتل همسر و فرزندش در طبقه دوم ساختمانی چهارطبقه در بلوار فردوس پایتخت خبر داد. ماموران کلانتری شهرزیبا با حضور در محل و یافتن اجساد در خانه موضوع این جنایت را به بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی پایتخت گزارش کردند. تیم جنایی و بازپرس کشیك قتل زمانی که وارد محل جنایت شدند، مشاهده کردند وسایل خانه به هم ریخته بود اما به نظر می‌رسید سرقتی انجام نشده است. جسد مادر۴۴ ساله خانواده و دختر ۱۳ ساله‌اش روی تختخواب در اتاق خواب‌هایشان افتاده بود. بررسی‌های تیم جنایی نشان داد این مادر و دختر براثر خفگی با دست به قتل رسیده‌اند و از مرگ آن دو ۸ ساعت می‌گذرد. با هماهنگی قضایی، اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد. پرونده ای در این باره در دادسرای جنایی تهران تشکیل و ماموران با دستور قضایی به تحقیق از پدر ۵۰ ساله خانواده پرداختند.

وی به افسر تحقیق گفت: مقتول دخترخاله‌ام بود که سال ۷۸ با هم ازدواج کردیم و ثمره زندگی‌مان همین دختر نوجوان بود. همسرم خانه‌دار بود و من در شرکت خودروسازی کار می‌کنم. چون تعطیلات تابستانه‌مان شروع شده بود، قرار بود بعد از پایان کار به خانه برگردم، وسایلمان را جمع کنیم و به خانه خواهرم در تبریز برویم و از آنجا به ترکیه سفر کنیم. هنگام ظهر از محل کارم به خانه آمدم. همراه دختر نوجوانم وسایل سفرمان را جمع کرده و به پارکینگ برده و در صندوق عقب خودرویم گذاشتیم.

پدر خانواده ادامه داد: آماده سفر شدیم اما جلسه فوری کاری در شرکت پیش آمده بود و مجبور شدم به محل کار برگردم. بعد از پایان کارم چندبار با خانه‌مان و شماره تلفن همسرم تماس گرفتم که پاسخگو نبود. با برادرم تلفنی حرف زدم و خواستم برای پیگیری موضوع به خانه‌مان برود که او با رفتن به آنجا متوجه شد در آپارتمان نیمه‌باز است و کلید نیز پشت در است. او با جسد خانواده‌ام روبه‌رو شده و به من خبر داد، من هم خودم را به خانه رساندم و با پلیس تماس گرفتم. نمی‌دانم چه کسی همسر و دخترم را کشته است. من با زنم اختلاف آنچنانی نداشتیم.

سرهنگ سرافراز احمدی، رئیس کلانتری شهرزیبا در این باره گفت: اعضای این خانواده از هشت سال قبل به این ساختمان آمده بودند و به گفته اهالی با هم درگیری نداشتند. در بررسی خانه، آثار به هم ریختگی دیده می‌شد، اما وسیله‌ای سرقت نشده بود. شواهد نشان می‌داد این به هم ریختگی ساختگی است. با دستور قضایی، پدر خانواده به‌عنوان مظنون دستگیر شد و تحقیقات از او در اداره دهم پلیس آگاهی ادامه دارد.

بخشش برادرکش ۱۵ ساله

پسر ۱۵ساله که در درگیری با برادر بزرگش وی را با یك ضربه چاقو کشته بود با رضایت اولیای‌دم از جنبه عمومی جرم محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از ساعت ۱۰ سیزدهم بهمن ۹۷ به‌دنبال فوت پسر ۲۰ ساله‌ای به نام اردشیر در بیمارستان الغدیر در دستور کار پلیس قرار گرفت. یك زن و مرد میانسال که بسیار هراسان بودند پیکر نیمه جان اردشیر را به بیمارستان الغدیر منتقل کرده و ادعا کردند او مقابل خانه‌شان در تهرانپارس از سوی چند مرد ناشناس مورد حمله قرار گرفته و زخمی شده است. تلاش پزشکان برای نجات پسرجوان بی‌نتیجه ماند و وی روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد. پدر و مادر مقتول گفتند پسر ۱۵ ساله‌شان به نام ارشیا برادرش را کشته است. به این ترتیب ارشیا بازداشت شد و قتل را گردن گرفت. وی در تشریح جزئیات ماجرا گفت: شب قبل از این ماجرا دیر به خانه برگشتم و برادر بزرگم اردشیر از این ماجرا عصبانی شد و مراکتك زد. صبح وقتی از خواب بیدار شدم متوجه شدم گوشی تلفن همراهم بالای سرم نیست. به مادرم گفتم به برادرم بگوید تلفنم را برگرداند و گرنه به مدرسه نمی‌روم. همان موقع اردشیر که از صدای جر و بحث من و مادرم بیدار شده بود بالای سرم آمد و به من سیلی زد. ما با هم درگیر شدیم و مادرم همان موقع مرا از خانه بیرون انداخت. من مقابل خانه نشستم و منتظر بودم مادرم کیف مدرسه‌ام را به من بدهد که یکباره صدای جیغ مادرم را شنیدم. من که ترسیده بودم به سوپرمارکت مقابل خانه رفتم و از آنجا چاقو برداشتم. در راه پله‌ها اردشیر را دیدم. او با دسته جاروبرقی به من حمله کرد و چند ضربه زد. من برای ترساندن او چاقو را به سمتش گرفتم و او را هل دادم. ما با هم گلاویز شدیم که هر دو به زمین افتادیم. برادرم روبه‌روی من نشست و مشت و لگد به صورتم زد. من هم برای این‌که از دست او فرار کنم یك ضربه به سینه‌اش زدم. با اعتراف‌های پسر نوجوان، وی به کانون اصلاح و تربیت منتقل شد. در این میان پدر و مادر وی با اعلام رضایت از قصاص گذشتند. آنها گفتند حاضر به قصاص پسر کوچك‌شان نیستند. به این ترتیب پرونده به شعبه هفتم دادگاه کیفری یك استان تهران -که ویژه رسیدگی به جرایم اطفال است- فرستاده شد تا به‌زودی ارشیا به جرم جنایت خانوادگی از خود دفاع کند.

آزار شیطانی زن جوان در باغ

رئیس کلانتری باقرشهر تهران از دستگیری چهار جوان در رابطه با آزار و اذیت زن جوانی در یکی از باغ‌های این محدوده خبر داد.

به گزارش جام جم، سرگرد داوود آقازاده در این باره گفت: حوالی ساعت ۵ صبح روز جمعه ۱۸ مرداد زنی جوان در حالی که هراسان و گریان بود، وارد کلانتری شد و در اظهارات خود به ماموران پلیس گفت، از سوی چهار جوان مورد تعرض قرار گرفته است. زن جوان درباره این اتفاق افزود: شب گذشته در حالی که قصد بازگشت به خانه را داشته در منطقه افسریه توسط چهار جوان که سوار یك خودروی پژو ۲۰۶ بودند و همراه خود قمه و سلاح سرد داشته‌اند، ربوده شده است. این چهار نفر پس از ربودنش، او را به باغی در همین محدوده برده‌اند و مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند.

وی با اشاره به واکنش سریع ماموران پلیس و دستگیری این چهار نفر، عنوان کرد: زمانی که این شکایت طرح شد ماموران بلافاصله رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و وارد عمل شدند. آنان با حضور به‌موقع در باغ، هر چهار نفر را در محل همان باغ دستگیر و به کلانتری منتقل کردند.

به گفته وی خودروی ۲۰۶ که ربودن زن جوان با این وسیله انجام شده بود، نیز از همین باغ کشف شد و متهمان با تشکیل پرونده به مقام قضایی معرفی شده‌اند.

متهمان در تحقیقات مقدماتی مدعی شدند، به خاطر اختلافاتی که با این زن داشته‌اند او را ربوده‌اند که تحقیقات درباره ادعای آنها ادامه دارد.

دختر جوان پس از فرار از دام شیطانی ۴ مرد متجاوز را از جنایت سیاه آنها را فاش کرد

بازداشت عشق قدیمی به اتهام قتل زن میانسال

پس از یك سال از مرگ مشکوك زن ۴۲ ساله در خانه‌اش، پزشکی قانونی اعلام کرد او به قتل رسیده و عشق قدیمی اش بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، شامگاه هفتم تیر سال گذشته مرگ مشکوك زن ۴۲ساله‌ای از سوی پلیس به بازپرس کشیك دادسرای جنایی تهران گزارش شد. با تحقیق از خانواده‌اش معلوم شد او را بیهوش در خانه‌شان در شهرك ولیعصر یافته‌اند و به بیمارستان لقمان برده‌اند که فوت شده است. این در حالی بود که آثار ضرب و جرح و خراش‌هایی روی گردن این زن وجود داشت که ماجرای مرگ او را پیچیده می‌کرد. با دستور ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی پایتخت، تحقیقات ادامه پیدا کرد. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد متوفی با شوهرش اختلاف داشته و درصدد جدایی بودند که او فوت شده است.

بعد از یك سال از مرگ او، کارشناسان پزشکی قانونی نظر قطعی خود را اعلام کردند که این زن خودکشی نکرده بلکه براثر خفگی به قتل رسیده است. بنابراین ماموران به تحقیق دوباره از خانواده مقتول پرداختند که معلوم شد خانه‌ای که به نام مقتول بوده همراه گذرنامه و کارت ملی‌اش در اختیار مردی به نام احمد که خواستگار سابق مقتول بوده قراردارد و آن را پس نمی‌دهد و این مرد برای یکی از دختران مقتول نیز از طریق پیامك و تلگرام، پیام‌های تهدیدآمیز و عکس‌هایی از سنگ قبر مقتول و عکس‌های خصوصی او را ارسال کرده است. در ادامه تحقیقات احمد بازداشت و به شعبه سوم دادسرای جنایی تهران منتقل شد. او منکر قتل زن مورد علاقه‌اش شد و گفت: من و مقتول به هم علاقه داشتیم، ۲۰ سال پیش می‌خواستیم ازدواج کنیم که خانواده‌اش نگذاشتند و او به اجبار با پسری از اقوام پدرش ازدواج کرد. من ازدواج نکردم و حتی معتاد به شیشه شدم. این اواخر کمی اعتیادم را ترك کردم. بعد از ۲۰ سال به‌طور اتفاقی او را در خیابان دیدم. بعد همدیگر را دوباره ملاقات کردیم و تلگرامی حرف می‌زدیم. می‌گفت خوشبخت نشده، می‌خواهد طلاق بگیرد. قرار شد بعد از جدایی با هم ازدواج کنیم. سند خانه و مدارکش را امانت به من داد تا برایش نگه دارم.

تحقیقات از خواستگار قدیمی مقتول برای رازگشایی از این جنایت ادامه دارد.

تلنگر

کشف جسد بانوی کوهنورد

پس از گذشت پنج روز جست‌وجو برای یافتن بانوی کوهنورد مفقود در دماوند پیکر او در ارتفاع ۵۱۰۰ متری پیدا شد.

به گزارش جام جم، فرناز دولتخواه ۱۷ مرداد همراه یك گروه ۲۰ نفره برای صعود قله دماوند از جبهه شمال شرقی اقدام کرده بود. او به دلیل خستگی به همراه یکی از اعضای گروه کمی با فاصله از گروه اصلی به سمت پایین حرکت می‌کنند و در مسیر یخچال شمال‌شرقی سقوط می‌کنند.

حمید مساعدیان رئیس بخش امداد و نجات فدراسیون کوهنوردی با اعلام این خبر گفت: پس از سقوط براساس اظهارات همراه خانم دولتخواه هر دو کوهنورد مصدوم می‌شوند با این وجود خانم دولتخواه اعلام می‌کند به دلیل جا ماندن کوله‌پشتی‌اش باید دوباره صعود کند، همراه خانم دولتخواه ایشان را رها می‌کند و به سمت پایان قله حرکت می‌کند.

عصر دیروز و پس از پنج روز جست‌وجو، رئیس سازمان امداد و نجات هلال‌احمر از کشف جسد این کوهنورد خبر داد و گفت: عصر جمعه جسد خانم فرناز دولتخواه در ارتفاع ۵۱۰۰ متری جبهه شمال‌شرقی دماوند شناسایی شد و علی‌رغم شرایط جوی نامطلوب عملیات انتقال جسد به ارتفاع پایین آغاز شده است.

پرواز ۲ قلب برای پیوند

اعضای بدن دو جوان یزدی که مرگ مغزی شده بودند، به بیماران نیازمند زندگی دوباره بخشید.

به گزارش جام جم، حسین قاسمی افزود: نوزده و بیستمین اهدای عضو در سال ۹۸، با ایثار و فداکاری دو بیمار مرگ مغزی ۱۸ و ۳۵ ساله در بیمارستان شهید دکتر رهنمون یزد به وقوع پیوست. همچنین اورژانس هوایی کشور روز جمعه برای چهارمین انتقال قلب اهدایی در سال ۹۸ راهی یزد شد تا قلب اهدایی دو بیمار مرگ مغزی را به تهران بیاورد و به دو بیمار نیازمند پیوند زده شود. این عملیات با همکاری اداره پیوند وزارت بهداشت صورت گرفت. با این اقدام خداپسندانه و رضایت خانواده‌ها، دو کلیه این بیماران در استان یزد و دو کبد در بیمارستان شیراز نجات بخش جان هموطنان شد.

دفن سگ به جای کودك

عاملان تدفین سگ در یکی از مساجد سنگر شناسایی و به مقامات قضایی تحویل داده شدند.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما، سرهنگ احمدنقدپور، فرمانده سپاه ناحیه سلمان رشت دیروز در تشریح این ماجرا گفت: عاملان دفن سگ در یکی از مساجد بخش سنگر شهرستان رشت شناسایی و دستگیر شدند. زن سنگری چندی پیش همراه دو همدستش برای سگش مراسم تشییع گرفته و آن را به‌عنوان این‌که فرزندش است کفن پوشانده و در مسجد زادگاه پدری‌اش روستای امشه بخش سنگر دفن کرده بود.

هفته گذشته زنی با فریب دادن برادر یکی از هیات امنای مسجد شهید نارنجی روستای امشه بخش سنگر، سگ خود را کفن پوشانده و به عنوان فرزند خردسالش با حضور دوستان و اقوامشان در محوطه این مسجد به خاك سپرد. چند نفر از اهالی به این ماجرا مشکوك شدند که با اقدام نهادهای ذی‌ربط، پس از شش ساعت، نبش قبر شد.

قتل مرد افغان در برج در حال ساخت

مرد افغان هموطن خود را در برج در حال ساخت در محله شهرك غرب به قتل رساند و متواری شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه دوشنبه ۲۱ مرداد امسال یکی از ماموران کلانتری شهرك قدس با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از قتل مرد افغان ۳۵ ساله در برج در حال احداث در شهرك غرب خبرداد. در تحقیقات اولیه مشخص شد، مرد افغان براثر اصابت نبشی بنایی به سر و گردنش به قتل رسیده و کمتر از ۱۲ ساعت از مرگ او می‌گذرد. با تحقیق از دوستان وی مشخص شد مقتول با یك تبعه افغان که به ساختمان آمده بوده درگیری داشته و به نظر می‌رسد او دست به جنایت زده باشد؛ چراکه از ساختمان در حال احداث رفته و ناپدید شده است.